

علم به نظام عادلانه
 و عزم اقامه آن
 در سطح جامعه
 و با پشتیبانی و
 حضور پررنگ
 مردم جوهره قوام
 دولت را تشکیل
 می دهد. به شکل
 سلبی نیز چنین
 حکومتی باید با
 دشمنان عدالت
 در هر طبقه و رنگ
 و سطحی (داخلی و
 خارجی) مقابله کند.
 نکته مهم آن است
 که رابطه مردم با
 این حکومت تنها
 به شکل مکانیکی
 و دولت شهروندی
 نیست، بلکه
 شکلی ارگانیک و از
 سنخ رابطه قلبی و
 تبعیت مردم از امام
 و ولی جامعه است.

اسمای الهی در ادبیات فلسفی به خلق اعیان ثابت منجر می شود. به شهادت آیات و روایات متعدد عالم تکوین تجلی اسم عدل الهی است و خلقت آن هدف دار، حکیمانه و بر مبنای حق است^۴ و کمال هر موجودی در این عالم بازگشت به اسمی است که از آن تجلی یافته است. اما انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند تمایز و شرافت بیشتری نسبت به سایر موجودات دارد. این شرافت به دلیل حقیقت اوست که می تواند جامع اسمای الهی باشد. در نگاه دینی، حقیقت انسان کامل مظهر تجلی اسم «الله» است که جامع جمیع اسمای الهی است؛ از این رو انسان کامل مخلوق جامعی است که هیچ تکثری - به معنای منفی آن - در آن راه ندارد.

ثمره این تعریف آن است که انسان کامل را اولاً خلیفه و جانشین خداوند در زمین می داند و ثانیاً او را تنها انسانی می داند که به هدایت الهی بر صراط مستقیم خداوند ثابت و مستقر است؛ از این رو تنها انسان های کامل هستند که می توانند به اذن خداوند رسولان او و هادیان سایر انسان ها به سوی هدف و غایت الهی باشند.

از نگاه و اندیشه دینی، عدالت برای هر انسانی «استقامت بر صراط مستقیم» است؛ چون صراط مستقیم خودش یک حقیقت نفس الامری دارد، پس عدالت نیز دارای حقیقت نفس الامری در مقام ثبوت خواهد بود. این نکته، نقطه مهم و کلیدی تمایز تعریف اندیشه اسلامی از عدالت با سایر مکاتب غیردینی است که عدالت را صرفاً امری اعتباری محض و قراردادی فرض می کنند. در نگاه متفکران دینی عدالت دارای حقیقتی است که هر انسانی به تنهایی و به صورت جمعی باید از مسیر خاصی به آن نائل شود و آن را تحقق بخشد. در نتیجه عدالت در این نگاه، به حیث هستی شناختی واقعیت دارد؛ اما به حیث معرفت شناختی معیارها و تعاریف متنوع و متکثری دارد.

گفته شد که در کنار خط خلافت (انسان به مثابه جانشین خداوند روی زمین)، خط هدایتی (انبیا و رسولان) نیز از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان ها به سمت کمال نهایی، یا همان صراط مستقیم، قرار داده شده است. نسخه ای که خط هدایت برای راهبری انسان ها در اعصار مختلف از سوی خداوند متعال با خود آورده اند، به آن «شریعت» یا «تشریح» گفته می شود. نظام تشریح (به معنای احکام و دستورات الهی) همانند نظام تکوین (به معنای موجودات عالم) با منشأ الهی است و عادلانه است. پس نظام تشریح آمده است که حیات اجتماعی انسان ها را با نظام تکوین، که عادلانه است، متحد و منطبق کند و رنگ و بوی عدالت به آن بزند.

چارچوب مفهومی نظریه اسلامی عدالت اجتماعی

یکی از ویژگی های انسان به عنوان خلیفه خداوند، حیثیت اجتماعی اوست. به تصریح متفکران، نیازها و توانمندی های مختلف انسان، آن ها را به